

## پرسش ۵۵: آیهی «و اذا قيل لهم آمنوا كما آمن الناس....»

السؤال/ ۵۵: استيضاح عن الآية: (وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ) ([19]).

المرسل: إبراهيم رغيل

لطفاً در مورد این آیه روشنگری فرمایید: «و چون به آنان گفته شود شما نیز همانند مردمان ایمان بیاورید، می‌گویید: آیا ما نیز همانند بی‌خردان ایمان بیاوریم؟! آگاه باشید، آنان خود، بی‌خردانند در حالی که نمی‌دانند» ([20]).

فرستنده: ابراهیم رگیل

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

هؤلاء هم العلماء غير العاملين ومدعو العلم من الجهال والسفهاء ([21]).

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

آنها علمای غیرعامل و مدعیان علم هستند که از جاهلان و سفیهان می‌باشند ([22]).



[19] - البقرة: 13.

[20] - بقره: 13.

[21] - من المعلوم أن الأمر يعود كما بدأ، كما قال الرسول محمد (ص)، وهذه الآية فسرها الأئمة (ع) في الذين اعترضوا على وصي الرسول محمد (ص) ووصفوا الذين آمنوا به بالسفهاء، فهي اليوم تنطبق على الذين يعترضون على وصي الإمام المهدي ويصفون الذين آمنوا به بالسفهاء والسذج الذين لا يتمتعون بشيء من العلم، وإنهم في تكذيبهم لوصي الإمام المهدي (ع) يعتبرون أنفسهم حكما ألباء، فهؤلاء كهؤلاء؛ لأن القرآن حي لا يموت ينطبق على آخر الأوصياء كما انطبق على أولهم (ع)، كما تقدّم بيانه.

عن الإمام موسى بن جعفر (ع): (وإذا قيل لهؤلاء الناكثين البيعة، قال لهم خيار المؤمنين كسلمان والمقداد وعمار وأبي ذر: آمنوا برسول الله وبعلي الذي وقفه وقامه مقامه، وأناط مصالح الدين والدنيا كلها به، فأمنوا بهذا النبي وسلموا لهذا الإمام وسلموا له. ظاهرة وباطنة، كما آمن الناس المؤمنون كسلمان والمقداد وأبي ذر وعمار، قالوا في الجواب لمن يفضون إليه، لا لهؤلاء المؤمنين؛ لأنهم لا يجسرون على مكاشفتهم بهذا الجواب، ولكنهم يذكرون لمن يفضون إليهم من أهليهم الذين يتقون بهم من المنافقين ومن المستضعفين، أو من المؤمنين الذين هم بالستر عليهم واثقون بهم، يقولون لهم: أنؤمن كما آمن السفهاء) يعنون سلمان وأصحابه لما أعطوا علياً خالص ودهم ومحض طاعتهم، وكشفوا رؤوسهم بموالاته وأوليائه ومعاداة أعدائه، حتى إن اضمحل أمر محمد (ص) طحطحهم أعداؤه وأهلكم سائر الملوك والمخالفين لمحمد (ص)، أي فهم بهذا التعرض لأعداء محمد (ص) جاهلون سفهاء، قال الله عزوجل: (أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السَّفَهَاءُ) الاخفاء العقول والآراء، الذين لم ينظروا في أمر محمد حق النظر فيعرفوا نبوته، ويعرفوا به صحة ما ناطه بعلي (ع) من أمر الدين والدينا، حتى بقوا لتركهم تأمل حجج الله جاهلين، وصاروا خائفين من محمد وذويه. ومن مخالفينهم، ولا يؤمنون أن ينقلب فيهلكون معه، فهم السفهاء حيث لا يسلم لهم بنفاقهم هذا لا محبة محمد والمؤمنين ولا محبة اليهود وسائر الكافرين؛ لأنهم به وبهم يظهرن لمحمد من موالاته وموالاته أخيه علي (ع) ومعاداة أعدائهم اليهود والنصارى والنواصب كما يظهرن لهم من معاداة محمد وعلي (عليهما السلام)، ومعاداة أعدائهم وبهذا يقدرن أن نفاقهم معهم كنفاقهم مع محمد وعلي، ولكن لا يعلمون أن الأمر ليس كذلك، فإن الله يطلع نبيه على أسرارهم فيخسأهم وبلغنهم ويسقطهم) بحار الأنوار: ج 73 ص 147. (المعلق).

[22] - همان طور که رسول اکرم (ص) فرمودند این امر به همان صورت که شروع شده بود، باز خواهد گشت. ائمه (ع) این آیه را در مورد کسانی که علیه وصی رسول خدا (ع) اعتراض کردند و کسانی که به ایشان ایمان آوردند را سفیه خواندند، تفسیر فرمودند و امروزه نیز این آیه بر کسانی که بر وصی امام مهدی (ع) اعتراض می کنند و خود را عاقل و حکیم می پندارند، اطلاق می گردد؛ این افراد همچون آن افراد می باشند چرا که قرآن زنده ای است که هرگز نمی میرد و بر آخرین اوصیا منطبق می گردد همان گونه که بر اولین آنها (ع) منطبق بود.

از امام موسی بن جعفر (ع) نقل شده است که فرمود: «زمانی که برترین مؤمنان همانند سلمان، مقداد، ابوذر و عمار به این عهدشکنان گفتند: به رسول خدا و به علی ایمان بیاورید که پیامبر او را در جایگاه خودش برانگیخت و مقام خودش را به او داد و تمام مصالح دین و دنیا را به او واگذار نمود؛ به این پیامبر ایمان آوری و تسلیم امر این امام گردید و در ظاهر و باطن او را اطاعت کنید، همانند افراد باایمانی چون سلمان، مقداد، ابوذر و عمار، آنها به کسانی که پشت پرده موافقشان بودند پاسخ گفتند چرا که جرأت و جسارت پاسخ گویی آشکارا به این افراد باایمان را نداشتند؛ بلکه به هم کیشان خود یعنی منافقین و

مستضعفینی که به آنها اعتماد داشتند و یا به مؤمنینی که در خفا با امام (ع) بودند ولی آنها به ایشان اعتماد داشتند، گفتند: «أَنْتُمْ كَمَا أَمَّنَ السُّفَهَاءُ» (ایا ایمان بیاوریم همان گونه که بی‌خردان ایمان آوردند؟! ) و منظورشان سلمان و یارانش بود که فقط علی را اطاعت کردند و اطاعتشان فراگیر و همه‌جانبه بود؛ همان کسانی که برای دوستی با اولیایش و دشمنی با دشمنانش سر تراشیدند، تا هنگامی که امر محمد (ص) کم‌رنگ شد و دشمنانش آنها را از بین بردند و سایر اُمرا و مخالفین محمد (ص) آنها را به هلاکت رساندند؛ به عبارت دیگر آنها خود سفیه و نادان بودند که به این ترتیب مورد تعرض دشمنان محمد (ص) قرار گرفتند و خداوند عزوجل می‌فرماید: «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ» (آگاه باشید که آنها، خود، سفیهان‌اند) ناقص عقل‌ها و کوتاه فکریایی که در امر محمد آن گونه که شایسته است ننگریستند تا نبوتش را بشناسند تا به این ترتیب صحت و درستی آنچه به علی (ع) از امر دین و دنیا واگذار کرده بود را درک کنند و در شناخت و تأمل در حجت‌های الهی تا آنجا جاهل باقی ماندند که از محمد و همدم ایشان و همچنین از مخالفانشان، ترسان باقی ماندند، ایمان نمی‌آوردند تا هلاک گردند؛ آری، آنها خود، نادان و سفیه‌اند چرا که با این نفاق‌شان تسلیم امرشان نمی‌شوند، نه محبت و دوستی محمد و مؤمنان را به دست می‌آورند و نه دوستی یهود و سایر کفار را؛ زیرا آنها به او و ایشان، موالی و دوستی محمد (ص) و برادرش علی (ع) و دشمنی دشمنانشان از یهودی‌ها و مسیحی‌ها و ناصبی‌ها را اظهار می‌نمایند و در عین حال به آنها نیز دشمنی نسبت به محمد و علی (ع) و دشمنی با دشمنانشان را ابراز می‌دارند و با آنها نیز نفاق پیشه می‌کنند همان گونه که نسبت به محمد و علی منافق هستند. در حالی که نمی‌دانند واقع امر چیز دیگری است؛ چرا که خداوند پیامبر خود را از اسرار آنها مطلع می‌نماید و آنها را مورد لعن و نکوهش قرار می‌دهد و نابودشان می‌کند». بحار الانوار: ج 73 ص 147.